



۲۰۱۶/۱۲/۰۷



غ. حضرت

قهرمان ملی

کلمات " قهرمان " و " نابغه " یکی از کلماتی محسوب میشوند که با اینکه از ریشه و ساختارش زیاد نمیدانیم ولی از مفهوم و درک درستش هر کسی ولو ناخوان و بیسواد، برخوردار میباشد. در سطح ملی، قهرمان به کسی اطلاق میشود که در عرصه های گوناگون منجمله حماسی و جنگی و دفاعی و علمی و ورزشی و بعضاً ادبی و هنری و فرهنگی، یک عمل کرد خیره کننده و افتخار آمیز که در تاریخ ماندگار باشد از خود به میراث بگذارد.

در سطح بین المللی، بشریت درین چند قرن اخیر عاری از قهرمان بشری و بین المللی میباشد و فقط در میادین ورزشی، قهرمان و قهرمانان قابل رؤیت میباشد. البته در ساحه " نبوغ " یک استثنای بشری داشتیم که متأسفانه هوش و ذکاوت خارق العاده اش صرف تجزیه اتم در واقع تجزیه افکار زورگویانه انسان زور گو گردید، البته قهرمانان واقعی بشری نیز درین گره خاکی پا نهاده که در عرصه علمی باعث کشفیات و اختراعات بسیار مفید و نجات بخش گردیده که متأسفانه امروز در صفحات خاطره های احاد بشر جایگاه مناسب ندارد حال آنکه این اشخاص نجیب و شریف و زحمت کش باید هر روز مورد ستایش قرار بگیرند و در هر کشور، یک شهر یا شهرک یا یک مرکز علمی بنام نیک ایشان مسمی گردد.

اینکه ما تا امروز از داشتن یک قهرمان ملی محروم هستیم بستگی به عوامل بسیار پیچیده و حساس میداشته است، شاید یکی از عللش این باشد که قهرمان می آید که یک کسی را در مقام قهرمانی قبول نمائیم بلکه خوش باورانه به این عقیده ایم که فرد فرد این سرزمین و جب و جب این سرزمین و برگ برگ تاریخ این سرزمین از الف تا یا قهرمانیم خصوصاً در عرصه های حماسی! یکی " قهرمان " است و یکی هم " نابغه ". این دو مفهوم با هم فرق دارد.

قهرمان معمولاً در میدان سیاسی- اجتماعی- نظامی تبارز می کند ولی نابغه بودن یک مسئله ژنتیکی و مغزی میباشد. نابغه به کسی گفته میشود که از هوش فوق العاده بالائی برخوردار باشد، یک قهرمان الزاماً نابغه نیست و یک نابغه الزاماً قهرمان نیست.

ما در سطح کشور در دهه پنجاه یک جوان نابغه داشتیم اگر اشتباه نکنم بنام سید جلال که البته قرار شنود ایشان بدون اینکه نور آفتاب نبوغش بر درختان سایه زده ما تابیده باشد در همان بلوغ نبوغش وطن را ترک و راهی کشور سعودی شد که البته استعدادش آنجا بر اثر گرمای فرهنگی و اقلیمی سعودی مثل لاند گوشت فیل مرغ،

غیر صیقل و بی مزه شده که البته در انتخابات ریاست جمهوری چند سال پیش نیز اشتراک نموده بود. بهر حال منحیث یک افغان و منحیث یک نابغه هنوز هم باید قابل احترام باشند.

اما یک کمیدی تلخ:

ما سالها و قرن ها در حسرت داشتن یک قهرمان بودیم (البته قهرمانان بیشماری پنهانی و غیر ریاکار، زیاد داشتیم ولی بطور رسمی و ملی بر سر انتخاب یک قهرمان ملی اتفاق نظر نداشتیم و نداریم) تا اینکه در هفت ثور ناگهان صاحب " قهرمان " آنهم قهرمان شرق شدیم، جالب اینجا بود که این قهرمان در عین زمان و ظرفیت، " نابغه " هم بود.

عجب چانس و عجب موقعیت طلایی نصیب ما شد!!!

در عجیب، فقط چهار صد و هشتاد و هشت روز (دقیقاً) قدر این نابغه را دانستیم، همینکه هژده هزار عالم به قهرمان بودن و نابغه بودن وی معترف! شدند، ما لجاجت به خرج داده و با گذاشتن بالشت پخته ای و سنگین بین مقام نبوغ و قهرمانی، مانع اکسیجن رسانی به این دو عنصر نایاب و کم یاب شدیم و گلیم نابغه و قهرمان را به امواج کوبنده فراموشی و بی اعتنائی سپردیم! !!! "اف"، جگر آدمی در میگیرد وقتی در دامن پاک احساسات پاک این مردم و ملت پاک و بی آرایش، اینگونه لکه های چرکین افتضاح و رسوائی و تقلب و ریا و زور و تزویر و فریب رهبران سیاسی خود را مشاهده کند.

اما اصل مطلب!

درین روزها بحث قهرمان و قهرمان سازی دوباره رونق گرفته. غنی خان در جائی فرموده که امان الله خان یک قهرمان ملی بود و میباشد.

در اینکه امان الله خان باید بخاطر کسب استقلال، یک قهرمان ملی خطاب شود شکی نیست هر چند بحث چگونگی و چرایی استقلال باید از نظر علمی (نه احساساتی و عاطفی) مورد بررسی قرار بگیرد و هر چند تضمین صاف و صادق بودن انگیزه غنی جان کار آسان نیست اما آنچه درین میان باعث جریحه دار شدن احساسات اشخاص سالم و مردمی شد، اظهارات ضیاء خان مسعود می باشد که گفت پارلمان افغانستان به تصویب رسانده که قهرمان ملی فقط شهید احمد شاه مسعود میباشد و بس.

جناب آقای ضیاء مسعود!

جنگ میهنی و ملی فقید احمد شاه مسعود در برابر قشون شوروی و مقاومت ایشان و دوستان شان در برابر جرثومه فساد یعنی طالب قابل چشم پوشی نیست و حتی قیام مسلحانه ایشان در برابر رژیم جمهوری با توجه به فضای حاکم بر آن زمان و احساس سایه شوم مسکو بر مقدرات آنزمان، قابل دفاع میباشد. آنهائیکه از روی احساسات و یا از روی وابستگی فکری به مسکو، قیام مسلحانه آن مرحوم را با الفاظ کودکانه نکوهش میکنند از قافله درک شرائط زمانی و مکانی عقب افتاده اند. اما این اوصاف پسندیده هرگز توجیه کننده و پاک کننده اعمال و کردار بعدی ایشان که منجر به کاشت تخم نفرت و برادر کُشی و کابل کُشی شد، نمیباشد. اینکه پارلمان، ایشان را منحیث یک قهرمان ملی شناخته، جای بحث و تأمل دارد. اولاً قهرمان ملی و قهرمان بودن محصول تجلی اراده ملی و فرد فرد یک کشور میباشد یعنی اینکه فابریکه قهرمان سازی در پارلمان و دولت و حکومت و دیگر دستگاه ها قرار ندارد، بلکه فابریکه قهرمان سازی و قهرمان پروری در نهاد درونی یعنی قلب و احساس احاد

جامعه قرار دارد، بدون رضائیت و اقتناع ملت هیچکس نمیتواند خود را قهرمان ملی بترشد. مضاف بر این عملیه در پرتو یک مخرج مشترک و یک توجیه مشترک ملی صورت میگیرد نه توسط چند تا نماینده پارلمان بخصوص پارلمانیکه خودش تا ناف در فساد غرق باشد و هر نماینده و وکیلش به انگیزه غیر ملی و حتی ضد ملی وارد تالار پارلمان شده باشد.

اقای ضیاء مسعود!

مرحوم شهید مسعود برادر ما بود، هموطن ما بود، همکیش و هم فرهنگ ما بود، زادگاهش بخش جدا نا پذیر دامن پاک مادر ما محسوب میشود، پنجشیری که یکرزی سید نفوذ مزدوران مسکو و لندن بود. ما قبول نداریم که این عزیز از شما یا از ما خواسته باشد که قهرمان ملی خوانده شود. به دریای خروشان پنجشیر سوگند که ایشان ازین افکار و اعمال نامناسب شما در رنج و عذاب بسر میبرد ما زنده ها قدرت و صلاحیت حساب رسی با ایشان را نداریم، ولی اینقدر صلاحیت داریم که از شما احترامانه تقاضا کنیم که اول به توضیح و تشریح تعریف قهرمان و تعریف ملی، خود را مجهز بفرمائید بعداً به ادعا های خویش جامه عمل بپوشانید.

برادر عزیزم!

کشور ما امروز از نظر روحی و اجتماعی در یک مؤقعیّت بسیار حساس قرار دارد، فرجام سرنوشت هر قوم و هر سمت و هر فرهنگ با هم گره خورده بناً شما و اشخاص مثل شما که در سایر مواضع و سنگر های ملی و ملیتی تشریف دارید مکلفیت ایمانی و انسانی و ملی دارید که اگر قدرت تنظیم توحید ملت را ندارید، جرئت قدرت تکثیر و تکسیر ملت را نیز نداشته باشید!

برادر گرامی!

عرض آخرم اینکه، رشک بردن در هر فرهنگ انسانی یک امر مذموم و حرام میباشد، برادران غیر تاجک شما از ناحیه اینکه چرا فلان کس قهرمان ملی خوانده میشود احساس رشک نمیکنند، بلکه ابراز رنجش شان ازین بابت است که چرا قهرمان پروران، درس قهرمانانه نثار را از صمیم قلب نه می آموزند و با آنهائیکه در قهرمان خواندن برادر شهید تان سهیم بودند و هستند، در تکریم و تحسین شان قدم رانجه نه می فرمائید؟

بیائید با هم مثل یک قهرمان حقیقی (که همه دار و ندار و هستی خویش را برای سرفرازی مردم و ملت و وطن خود نثار میکند) در کنار یکدیگر برادر وار در زدودن این لکه های نفرت انگیز بکوشیم و ملت خویشرا زنده نگهداریم تا قهرمان فروشی کنیم. قهرمان و قهرمانی زمانی ارزش دارد که تائید کنندگان وجود داشته باشند ورنه انجام مسابقات پهلوان و پهلوانی در سالن خالی یک اقدام احمقانه بیش نیست. فقط.

پایان